

به نام خدا

بررسی تطبیقی فرایند توسعه سیاسی در دولت های دهم و یازدهم (مطالعه موردی استان گلستان)

مؤلف :

حاج محمد توکلی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : توکلی، حاج محمد ، ۱۳۵۱
عنوان و نام پدیدآور : بررسی تطبیقی فرایند توسعه سیاسی در دولت های دهم و یازدهم (مطالعه موردی استان گلستان) / مولف حاج محمد توکلی
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۱۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۰۸۴-۰
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : توسعه سیاسی - دولت های دهم و یازدهم - مطالعه موردی استان گلستان
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۸۸۳۷۶۱۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : بررسی تطبیقی فرایند توسعه سیاسی در دولت های دهم و یازدهم (مطالعه موردی استان گلستان)
مولف : حاج محمد توکلی
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴
چاپ : زبرجد
قیمت : ۱۶۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۰۸۴-۰
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

توسعه	۸
مفهوم توسعه	۸
نوسازی سیاسی	۹
نهادپذیری سیاسی	۹
توسعه سیاسی	۱۰
مؤلفه های نوسازی اجتماعی و سیاسی از منظر آلموند و پاول	۱۳
مفهوم شناسی توسعه سیاسی	۱۴
نشانه های توسعه سیاسی	۱۸
رابطه توسعه سیاسی با مشارکت سیاسی	۱۹
شاخص های توسعه سیاسی	۲۰
شاخص ها و مکانیسم های توسعه سیاسی	۲۳
زمینه ها و علل توسعه سیاسی	۲۶
موانع و چالش های توسعه سیاسی:	۲۷
مشارکت سیاسی	۳۴
دموکراسی	۳۵
اصول و مؤلفه های توسعه سیاسی غرب	۳۸
موانع توسعه سیاسی در ایران	۴۱
الگوی توسعه سیاسی در جامعه مهدوی	۵۱
مفاهیم و تصورات نظریه های توسعه سیاسی	۶۰
حکم یا گزاره های توسعه سیاسی	۶۱
روش مفهوم پردازی در توسعه سیاسی	۶۲

۶۴	بستر تمدنی، محیطی و جغرافیایی توسعه سیاسی ایران
۷۱	مفاهیم و متغیرهای شناخت شناسی توسعه سیاسی ایران
۷۴	توأمان بودن دین و سیاست
۷۴	اصل حق تعیین سرنوشت
۷۵	قلمروی عقل و اسلام در زندگی سیاسی
۸۶	جامعه آماری
۸۷	حجم نمونه
۸۷	روش نمونه‌گیری
۸۸	روش جمع آوری اطلاعات
۸۸	ابزار جمع آوری اطلاعات
۸۸	متغیرهای کتاب
۸۸	تعریف نظری تمرکز زدائی قدرت
۸۸	تعریف عملی تمرکز زدائی قدرت
۹۰	تعریف مفاهیم نظری و عملی متغیر وابسته
۹۰	تعریف نظری توسعه سیاسی:
۹۰	تعریف عملیاتی توسعه سیاسی
۹۰	اعتبار
۹۰	پایایی
۹۲	تکنیک های تجزیه و تحلیل داده ها
۹۳	توصیف داده ها
۱۰۱	منابع و ماخذ

ورود مفهوم توسعه سیاسی در ادبیات سیاسی سابقه طولانی ندارد و نهایتاً به تحولات سیاسی جهان پس از جنگ جهانی برمی گردد. در طول چهل سال گذشته، مفهوم توسعه سیاسی به طور مکرر دستخوش تغییر و تحول شده است و هم اکنون نیز اتفاق نظر بر محدوده تعریف آن وجود ندارد. لوسین پای تئوری پرداز شهیر توسعه سیاسی، برخی از معانی گوناگون توسعه سیاسی را این گونه بیان نموده است «توسعه اقتصادی پیش نیاز توسعه سیاسی و توسعه سیاسی به صورت ثبات و دگرگونی منظم است. لازم توسعه سیاسی، توسعه اداری و قانونی است. توسعه سیاسی براساس تقویت ارزش ها و سنت های دموکراتیک است. توسعه سیاسی مترادف نو سازی سیاسی، تجهیز توده مردم و مشارکت لازم توسعه سیاسی است» (قوام، ۱۳۷۹: ۱۷). بحث توسعه و توسعه سیاسی از جمله مباحثی است که در چند دهه اخیر توجه عده زیادی از کتابگران را عمیقاً به خود جلب کرده و در کانون علایق فکری اندیشمندان علوم اجتماعی و علوم سیاسی قرار گرفته است. این بحث به ویژه برای نخبگان فکری کشورهای جهان سوم از اولویت و اهمیت مضاعفی برخوردار است: چرا که در این گونه کشورها، فرایند توسعه و توسعه نیافتگی، چالش اصلی جامعه را تشکیل می دهد و همه وقایع و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود، خواه ناخواه تحت تاثیر آن قرار دارند (کدیور، ۱۳۸۶: ۲۰۰). بدیهی شکل گیری روندی به نام توسعه سیاسی، مستلزم تغییرات اجتماعی بلند مدتی است که طی آن نظام تقسیم کار، قشر بندی اجتماعی، نظام سیاسی و فرهنگ، دستخوش تحول می شوند. بنابراین در تکوین آن، عمل عاملان اجتماعی و سیاسی، منافع گروه ها، اقشار و طبقات و گرایش آنها به تغییر یا مقاومت نقش دارد. براین اساس می توان گفت توسعه سیاسی ماهیتی برآیندی (منتجه) دارد و تکوین آن در هر جامعه ای، تاریخ خاص خود را دارد. (رجب زاده، ۱۳۸۷: ۲). یکی از

عوامل تاثیرگذار بر فرایند توسعه سیاسی جوامع ماهیت منابع مالی حکومت است. چنان که کشورهای در حال توسعه برخوردار از ثروت غنی منابع طبیعی .

برخلاف معیارهای توسعه اقتصادی که کمیت پذیرند و از طریق شاخص هایی چون تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، افزایش یا کاهش قدرت خرید، میزان اشتغال و... می توان میزان توسعه اقتصادی را در چارچوب های آماری با محاسبات دقیق مورد ارزیابی و سنجش قرارداد. در توسعه سیاسی قادر به انجام چنین کاری نیستیم؛ زیرا به علت کمیت ناپذیری عناصر کیفی توسعه سیاسی نمی توان پارامترهای توسعه سیاسی را به طور دقیق اندازه گیری نمود. برای مثال تعیین سطح جامعه پذیری یا مشروعیت سیاسی و نهادی شدن آنها در یک جامعه و فهم میزان توسعه سیاسی از آن به سختی می تواند صورت پذیرد. مسأله مهم وجود متغیرهای نسبتاً زیاد و ارتباط پیچیده ای است که میان این متغیرها وجود دارد به طوری که از تعامل این متغیرها به سادگی نمی توان روابط علی و معلولی را از هم باز شناخت. مثلاً مشروعیت سیاسی خود باعث افزایش سطح مشارکت در جامعه می شود، در حالی که مشارکت سیاسی و اجتماعی به نوبه خود به توسعه سیاسی و مشروعیت سیاسی کمک می کند .

در مورد بسیاری از پارامترهای اصلی توسعه سیاسی چون مشروعیت و مشارکت سیاسی میان محققان علوم سیاسی اتفاق نظر وجود دارد، اما به محض آنکه این عناصر در ارتباط با جوامع و فرهنگ ها و ساختارهای متفاوت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرند، به سادگی نمی توان با توجه به پارامترهای مزبور جامعه ای را از نظر سیاسی توسعه یافته و یا نظام دیگر را عقب مانده تلقی کرد. ولی در هر صورت شاخص هایی را که از پذیرش بیشتری برخوردارند می توان چنین برشمرد.

۱- میزان مشروعیت نظام و اهتمام مردم به دولتمردان

۲- مشارکت مردم از طریق نهادهای اجتماعی، سیاسی نظیر انتخابات مجلس احزاب و نهادهای سیاسی غیردولتی و مطبوعات و قدرت انتخاب حکومتی برخاسته از مردم بر مردم و میزان آزادی آنان

۳- حکومت قانون و نه حکومت فرد به شکل استبدادی و دیکتاتوری و غیرشخصی بودن نظام سیاسی

۴- میزان اقتدار در پاسخگویی به نیازهای مردم از طریق ایجاد شبکه اداری کارآمد و فعال و حل قانونمند مشکلات و معضلات سیاسی جامعه. آنچه به نظرمی رسد، این است که با توسعه سیاسی بسیاری از مشکلات جوامع سنتی حل می شود و گشایش هایی فراهم می آید. وجود شاخص های که برشمردیم همگی نشان دهند یک جامعه ای است که به توسعه سیاسی رسیده باشد.

کتاب حاضر به بررسی تطبیقی فرایند توسعه سیاسی در دولتهای احمدی نژاد و روحانی در استان گلستان می باشد.

توسعه سیاسی مفهومی تازه در فرهنگ سیاسی کشور ما محسوب می شود و خاستگاه غربی دارد و واژه جامعه شناختی است. گفتنی است مکاتب غربی مفهوی توسعه سیاسی و فرآیند آن را به عنوان راهکاری برای عبور از عقب ماندگی و رسیدن به توسعه در کشورهای توسعه نیافته بویژه در جهان سوم - برای جلوگیری از نفوذ ایدئولوژی کمونیستی به کشورهای تازه استقلال یافته و بالا بردن و گسترش شرایط مادی و معنوی زندگی اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی جامعه ارائه کرده اند. (سو، ۱۳۷۸: ۳۰). مفهوم توسعه سیاسی در عرصه سیاست و علم سیاست جایگاه مهمی دارد. با این حال "هنوز ایهام و عدم صراحت زیادی در مورد این دانش واژه وجود دارد" (عالم، ۱۳۸۲: ۱۲۳). توسعه سیاسی بخشی از فرآیند کلی، همه جانبه و پیچیده توسعه است و برخلاف توسعه اقتصادی و اجتماعی که شاخص های عینی و کمی دارند، تعریف مشخصی ندارد و در

غایات و شاخص ها مبهم است (کریمی مله، ۱۳۷۷: ۴۰). توسعه سیاسی از جمله موضوعاتی است که از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. صرف نظر از مباحثی که درباره ضرورت توسعه سیاسی و تقدم یا تأخر آن بر توسعه اقتصادی صورت گرفته، عوامل مختلفی را می توان در جهت دست یافتن به توسعه سیاسی در جوامع اسلامی مورد ارزیابی قرار داد. توسعه سیاسی بیش از هر چیز، به امنیت و آرامش در حوزه سیاسی نیازمند است و چنین امنیت و آرامشی تنها در سایه برقراری اعتماد میان حاکمان و مردم حاصل می شود. ضرورت این کتاب در این است که فرایند توسعه سیاسی در دولتهای احمدی نژاد و روحانی در استان گلستان تاچه میزان می باشد.

توسعه

توسعه در گذشته اساساً بر رشد اقتصادی، پایه گذاری شده است، در حالی که توسعه، روندی است جامع و فراگیر که تمامی وجوه زندگی انسان را در بر می گیرد. از این جهت توسعه واقعی، توسعه ای است متوازن که در آن حوزه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به صورت اجزای به هم پیوسته در یک کل، به گونه ای همزمان تحول می یابد. (هریسون، دیوید، ۱۳۷۶: ۲) دکتر توسلی، توسعه را چنین می پندارد: توسعه در معنای عام، فرایند تحولی پیچیده و همه جانبه ای است که در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه رخ می دهد و آن را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت می کند.

مفهوم توسعه

لفظ "وساع" یا "توسعه" مصدر ثلاثی از ریشه "و س ع" و به معنای ایجاد وسع و فراخی است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۸۴). درباره اینکه توسعه چیست؟ دیدگاه های مختلفی وجود دارد.

به طور کلی ، این دیدگاه ها به نوعی به بهبود و گسترش همه شرایط و جنبه های مادی و معنوی زندگی اجتماعی یا گسترش ظرفیت نظام اجتماعی - اعم از برآوردن نیازهای محسوس یک جامعه، از جمله امنیت ملی، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، برابری اجتماعی ، رشد اقتصادی، صلح و موازنه محیط زیست - و یا به عنوان فرآیندی که کیفیت زندگی افراد را بهبود می بخشد، اشاره دارند (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۰۴: ۱۳۷۹).

نوسازی سیاسی

نمودهای اصلی این رویکرد در آثار و اندیشه های آلموند، وربا و پاول تجلی یافت همزمان با اوج مطالعات رفتار گرایی دهه پنجاه و شصت). آنها در مطالعات خود بر روی فرهنگ

سیاسی تاکید کردند. دو بال اصلی نوسازی سیاسی شامل اند: تفکیک و تخصصی کردن ساختارها

و ایجاد تحول و نوسازی در فرهنگ سیاسی. توسعه سیاسی پس از نوسازی سیاسی امکان می یابد. (پوپر، ۱۳۷۸: ۱۳۴)

نهادپذیری سیاسی

به نظر هانتینگتون، نهادپذیری سیاسی فرایندی است که سازمان ها و فرایندهای سیاسی براساس سه جفت معیار معین، ارزش و ثبات حاصل کنند: ۱- قابلیت تطبیق - تصلب، ۲- پیچیدگی - بساطت و ۳- آزادی عمل - تبعیت. هنگامی که سازمان ها و فرایندهای سیاسی مطابق اولین جزو هر یک از سه جفت اصطلاح مذکور، تحول یابند، به نهاد تبدیل شده اند. در نتیجه هنگامی که فرایند سیاسی در مسیر اولین جزو هر جفت گام بر می دارد، توسعه سیاسی به وقوع می پیوندد. بنابراین حضور نهادهای سیاسی در تحقق

مطالبات و منافع مردم توانا خواهد بود. همین معیار است که جوامع از نظر سیاسی، توسعه یافته را از جوامع توسعه نیافته متمایز می سازد.

ساموئل هانتینگتون نوسازی سیاسی و توسعه سیاسی را از هم متمایز می کند: به نظر او نوسازی سیاسی عبارت است از گستردن آگاهی سیاسی به درون گروههای اجتماعی جدید و بسیج این گروهها به درون سیاست. اما توسعه سیاسی عبارتست از آفرینش نهادهای سیاسی دارای ویژگی های؛ پیچیدگی، استقلال و انسجام برای جذب و تنظیم مشارکت گروههای جدید و ترویج تغییر اجتماعی و اقتصادی در جامعه. به عقیده او مسأله اساسی سیاست، لنگ لنگان رفتن توسعه نهادهای سیاسی به دنبال توسعه اجتماعی و اقتصادی است. (امین زاده ۱۳۷۶: ۱۱۰).

ایزنستات مشخصه مهم تحول و توسعه سیاسی تغییر پذیری حمایت و پشتیبانی سیاسی مردم و فقدان اتحاد قدرت سیاسی ناشی از وابستگی های سنتی است. در یک جامعه از لحاظ سیاسی متحول و توسعه یافته، حکمرانان برای حفظ مقام و حق حکومت، همواره بسیج حمایت و پشتیبانی بخش قابل ملاحظه ای از مردم نیاز دارند. (علاقه بند ۱۳۷۱: ۱۲۲)

توسعه سیاسی

آلموند پاول معتقد است که توسعه سیاسی عبارت از پاسخی است که سیستم سیاسی به تحولات محیط اجتماعی یا بین المللی خود می دهد، و به ویژه پاسخی است در مقابل مبارزه جوییهای دولت سازی، ملت سازی، مشارکت و توزیع سه معیار برای توسعه سیاسی شامل تنوع ساختاری، خودمختاری در خرده سیستم و دنیایی شدن فرهنگی (سی، اچ، ۱۳۶۳: ۲۲).

توسعه سیاسی، فراگردی است که زمینه نهادی کردن تشکلهای و مشارکت سیاسی آنها را فراهم می کند و حاصل آن، افزایش توانمندی افراد، احزاب و گروهها، برای مشارکت قانونمند در فضای سیاسی جامعه است. (سعدابادی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه می باشد. توسعه سیاسی با رشد دموکراسی همراه است. (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۲۰۴)

واژه توسعه سیاسی از دو کلمه «توسعه» و سیاست تشکیل شده است. در ابتدا تعریفی از توسعه و سیاست خواهیم داشت.

توسعه: بهبود، رشد و گسترش همه شرایط و جنبه های مادی و معنوی زندگی اجتماعی را گویند. از طرفی «گسترش ظرفیت نظام اجتماعی برای برآوردن احتیاجات محسوس یک جامعه، امنیت ملی، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، برابری اجتماعی، رشد اقتصادی، صلح و موازنه محیط زیست، مجموعه ای از این احتیاجات است.» که از تعاریف توسعه محسوب می شود. (آقا بخشی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

سیاست: در باب سیاست تعاریف مختلفی ارائه شده است. یکی از این تعاریف عبارت است از؛ تدابیری که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می کند. این تدابیر به دو جزء تقسیم می شود: سیاست داخلی و سیاست خارجی. مناسبات بین طبقات و بین ملت ها در داخل یک کشور، جزئی از سیاست داخلی، و روابط بین دولت ها در عرصه جهانی، جزئی از سیاست خارجی شمرده می شود. سیاست هم علم است و هم هنر. علم است؛ زیرا باید قوانین و قواعد و ساختار و تاریخ آن را فراگرفت. چون هدف مطالعات سیاسی کشف قوانین مربوط به رابطه قدرت و معرفی آنها به صورت منظم است. هنر است، زیرا برای سیاستمدار شدن،

قریحه و موهبت ویژه ای (مثل شم، زیرکی، پویایی، نهان بینی، خویشتنداری، سرعت انتقال) لازم است که اجزای مختلف این قریحه سیاسی می باشد.

توسعه سیاسی: به دلیل چندبعدی جامع و شدیداً کیفی بودن آن، پیچیده ترین سطح یک جامعه است. قبل ازاینکه تعریف دقیقی از توسعه سیاسی ارائه دهیم، به نظرات برخی از دانشمندان درباب توسعه سیاسی اشاره خواهیم نمود.

۱- رونالدچیکلوت: معتقد است که نظریات توسعه سیاسی رابه سه قسمت می توان تقسیم کرد.

الف) آن دسته که توسعه سیاسی رابادموکراسی مترادف می دانند.

ب) آن دسته که برتغییر و توسعه سیاسی تمرکز کتاباتی داشته اند.

ج) آن دسته که به تجزیه و تحلیل بحران ها و مراحل تسلسلی توسعه سیاسی پرداخته اند. (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۱۲۷)

۲- بایندر: معتقد است که اگر کشوری بخواهد به رشد و توسعه برسد، باید پنج بحران راپشت سر بگذارد. «این پنج بحران عبارتند از: بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران مشروعیت و بحران توزیع» او معتقد است که وجه تمایز کشورهای توسعه یافته صنعتی از کشورهای درحال توسعه در آن است که آنان در گذشته به طریقی موفقیت آمیز بحران های فوق به ویژه بحران های هویت و مشروعیت راپشت سر نهاده اند (سیف زاده، ۱۳۷۲: ۱۷۳)

۳- هانتینگتون: مفهوم توسعه سیاسی براساس میزان صنعتی شدن، تحریک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرارداده و براین اعتقاد است؛ در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش

های جدید تر ظهور می کنند. بنابراین نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت سیستم بایستی ثابتی، هرج و مرج، و... روبرو خواهد شد.

توسعه سیاسی با برخی مفاهیم دیگر در ارتباط است از جمله مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، تبلیغات سیاسی، ارتباطات سیاسی و از همه مهمتر نوسازی. با این که نوسازی و توسعه گاهی مترادف به کار می روند، اما برخی از محققان، توسعه سیاسی را خیلی عالم تر از نوسازی سیاسی تلقی می کنند و معتقدند نوسازی سیاسی در بطن توسعه سیاسی است. نوسازی سیاسی را می توان فرایندی تلقی کرد که طی آن، نقش های کارکردی استراتژیک جامعه به سازندگی و تولید مبادرت می ورزند. (مهدیخانی، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

سیریل بلاک معتقد است برای رسیدن به توسعه سیاسی، جوامع باید چهار مرحله را پشت سر بگذارند؛ این چهار مرحله عبارتند از:

۱- ستیزه ابتدایی در برابر نوگرایی

۲- تثبیت رهبری نوسازانه

۳- انتقال اقتصادی و اجتماعی از وضعیت کشاورزی روستایی به یک وضعیت شهری

۴- همگرایی و یکپارچه شدن جامعه، شامل نظم دوباره دادن و بنیادی به ساختار اجتماعی (مور، ۱۳۷۹: ۱۲۵).

مولفه های نوسازی اجتماعی و سیاسی از منظر آلموند و پاول

آلموند و پاول مولفه های نوسازی اجتماعی و سیاسی شامل بر: سکولاریزاسیون (فرایندی در تغییر فرهنگ سیاسی مردم و توجه به روابط علت و معلولی و...)، تفکیک (تفکیک ساختارها و نقش ها و هر چه تخصصی تر شدن آن دو)، توسعه سیاسی و ظرفیت سیاست

(ساختارهای منفک و فرهنگ سیاسی سکولار دارای یک ظرفیت و توانایی فزاینده در شکل دهی محیط های داخلی و بین المللی می باشند). می دانند. (نوذری، ۱۳۸۰: ۵۶)

چالش های پنجگانه ای که فرهنگ و ساختار را تحت فشار قرار می دهند که باید به آنها در برنامه توسعه سیاسی توجه ویژه داشت:

اول، مساله کشورسازی، با توجه به مسائل نفوذ و انسجام ملی، دوم ملت سازی، با توجه به مسائل تعهد و وفاداری به کشور و هویت ملی، سوم مشارکت با توجه به مساله فشار برای مشارکت، چهارم، مساله اقتصادسازی با توجه به مساله تقاضا برای افزایش ظرفیت تولید، پنجم مساله توزیع با توجه به فشار برای باز توزیع درآمد، ثروت، فرصت و عزت (سریع القلم، ۱۳۷۷: ۶۷).

مفهوم شناسی توسعه سیاسی

توسعه سیاسی مفهومی تازه در فرهنگ سیاسی کشور ما محسوب می شود و خاستگاه غربی دارد و واژه جامعه شناختی است. گفتنی است مکاتب غربی مفهوم توسعه سیاسی و فرآیند آن را به عنوان راهکاری برای عبور از عقب ماندگی و رسیدن به توسعه در کشورهای توسعه نیافته بویژه در جهان سوم - برای جلوگیری از نفوذ ایدئولوژی کمونیستی به کشورهای تازه استقلال یافته و بالا بردن و گسترش شرایط مادی و معنوی زندگی اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی جامعه ارائه کرده اند. (سو، ۱۳۷۸: ۳۰).

دستیابی به موقعیتی است که در آن یک نظام سیاسی به جستجوی آگاهانه و موفقیت آمیز برای افزون شدن کیفی ظرفیت سیاسی خود از طریق ایجاد نهادهای موثر و موفق نایل آید. (شایان مهر، ۱۳۸۴: ۱۹۵).

توسعه سیاسی بخشی از فرآیند کلی، همه جانبه و پیچیده توسعه است و برخلاف توسعه اقتصادی و اجتماعی که شاخص های عینی و کمی دارند، تعریف مشخصی ندارد و در غایات و شاخص ها مبهم است (کریمی مله، ۱۳۷۷: ۴۰). توسعه سیاسی از دو کلمه توسعه و سیاست تشکیل شده است که به شرح آنها می پردازیم:

لوسین پای: «توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی می داند.» (قوام، ۱۳۷۱: ۹-۱۰)

مفهوم سیاست: سیاست کلمه ای عربی است که از ریشه "ساس - یسوس" گرفته شده است. معانی آن عبارتند از: حکم راندن بر رعیت، اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن، حکومت، ریاست، پرداختن به امور مردم بر طبق مصالحشان، پاس داشتن ملک، عدالت و داوری، حکم داری، سزا و جزا، محافظت حدود ملک، نگهداری و حراست، امر و نهی، پرورش و پروراندن و اداره امور داخلی و خارجی کشور (معین، ۱۳۸۲: ۲).

نخست، سیاست مداران و سیاست سازان درباره مفهوم توسعه سیاسی سخن گفتند. سپس اقتصاد دانان، جامعه شناسان و کتابگران سیاسی به بررسی آن پرداختند. این مفهوم در عرصه سیاست و علم سیاست جایگاه مهمی دارد. با این حال، "هنوز ابهام و عدم صراحت زیادی در مورد این دانش واژه وجود دارد" (عالم، ۱۳۸۲: ۱۲۳). بنابراین بجاست در این مجال، برخی از مهمترین تعاریف ارائه شده از "توسعه سیاسی" بررسی کنیم.

پیدایش شمار زیاد دولت های ملی پس از دوره استعمار در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، با روندی بسیار سریع، دگرگونی وضعیت ها را نشان داد و نسل جدید دانشمندان سیاست را برانگیخت تا ابزارهای بررسی اجتماعی سیاسی را باز بینی کنند. نسل جدید سیاست